گزارش خبر
NEWSREPORT

کد خبر: ۴۵۵۲۰۷
جمعه ۲۲ بهمن ۱۴۰۰ ۱۴:۰۰

نشست نقد و بررسی دو فیلم مردمی فجر

سومین نشست تخصصی نقد و بررسی دو فیلم "ملاقات خصوصی" و "علفزار" در بیستمین جشنواره ی فیلم فجر شیراز با حضور تعدادی از فعالانِ عرصه ی فیلم و رسانه در سینما سعدی شیراز به میزبانی حوزه ی هنری فارس برگزار شد .

به گزارش خبرنگار ان گروه فرهنگ، هنر و رسانه گزارش خبر، صغر گروسی که مدیریت این جلسه را به عهده داشت از فیلم ملاقات خصوصی شروع کرده و گفت: فیلم ملاقات خصوصی ساخته ی امید شمس و اولین اثر بلند سینمایی اوست. فیلمی که با ظرافت خاص و بازی خوب بازیگرانش به مسئله ی عشق پرداخته است، فیلمی که به تعبیر من پایان خوبی نداشت و باید در دریا فیلم خاتمه پیدا میکرد، حتی من فکر کردم قرار است تمام شود و باید سالن را ترک کنم که متوجه شدم نه، هنوز فیلم ادامه دارد.

محمد حسین فتحی فیلمساز جوان شیرازی در ادامه گفت :

فیلم در تلاش ترسیم کردن دو جهان، یکی محیط زندان و مناسبات زندانیان ارشد با زندانیان زیر دستی و امرو نهی کردن آنان و ایجاد باند در زندان، و دیگری جهان عاشقانه بین فرهاد وپروانه که این عشق ناگزیر زیر سایه مناسبات زندان تحت تاثیر قرار میگیرد و گاها با چالش روبرو میشود، نقطه قوت فیلمنامه ملاقات خصوصی عنصر "تعلیق" در قصه است و ایجاد فرازو فرودهایی که مخاطب هر چندگاهی از طی طریق قصه که آیا عشق فرهاد دروغین و از سر سو استفاده گری است یا واقعی! این سوال وقتی به اوج خود میرسد که در دادگاه فرهاد تصمیم به آزاد کردن خود میگیرد و فشاری که بر پروانه متحمل میشود، اما دیری نمی پاید که در کشمکش فردی و درونی با خود ، فرهاد دست به تصمیم بزرگی میزند که حاصلش ایجاد عشقی است که باور پذیر و ماندگار در سینما خواهد ماند. بی شک بازی ها در این فیلم باور پذیر هستند و یکی از بهترین بازی های پریناز ایزدیار را میبینیم، کارگردانی در این فیلم بی هیچ نکته اضافی روایتگر قصه اش است و قاب بندی های آن چشم نواز است.

محمد ناصریراد افزود: امسال در این جشنواره شاهد چند فیلم اولی بودیم که فیلمسازهای آن که از دلِ جریانِ فیلم کوتاه ایران سر در برون آورده اند، ما در سال های سابق هم میدیدم مثلا فیلمسازی نظیر اصغر فرهادی و بهمن قبادی و ... حاصلِ جریان فیلم کوتاه و سینماجوانان هستند، سعید روستایی در سال های قبل و امسال امید شمس و کاظم دانشی که با اقبال بسیار خوبی از جانب مردم روبرو شدند. این مسئله بار دیگه به اهمیت این جریان و ضرورت حمایت از دوستانِ فیلم کوتاه را دگر بار به ما گوشزد میکند.

در مورد فیلم ملاقات خصوصی هم باید بگویم فیلم کاشت و برداشت های روایی نسبتا درستی داشت ولی چندان موافق پایانش نبودم.

یلدا رییسی یکی از حاضرین این جلسه، درباره فیلم ملاقات خصوصی گفت: من به شخصه از نشانه، کدگذاری، کلیدواژه ها و نماهایی که کارگردان اثر استفاده کرده بود حیرت زده شدم، به عنوان مثال ما در صحنه ی آغازین فیلم می بینیم پروانه کرکره ی مغازه را پایین کشیده شده و همین با نورهای قرمز رنگ چشمک زن به ما میگوید که این شخصیت به دست خودش خودش را محبوس میکند یا قسمتی از فیلم که پروانه در حال صحبت با فرهاد هست و در همان لحظه در علفزار و مزرعه قطاری رو می بینیم که از وسط علفزار رد میشود، قطاری که در این در فیلم یعنی انتظار و خبرهایی در راه است. یا مثلا دیواره های عمودی زندان و غروب اسفناک آفتاب و پروانه ای که پشتِ دیوار ایساده و به نظاره ی غروبِ شمس نشسته است. این همان حس غریب و دلتنگیست که به خوبی به بیننده القا میشود. گریم سینمایی فرهاد جوری طراحی شده که ما تا تقریبا اواخر فیلم در گمانیم که آیا فرد مورد اعتماد است یا نه.با کشیدگی بینی و گودی که زیر چشم انداخته شده بود و سیبیلی که روی صورت هوتن شکیبا نقش بسته بود...نگاه های مرموز کننده ی فرهاد و به خوبی دوربین روی صورتش تاکید میکرد. موسیقی متن عالی بود و به موقع با ریتمیک و آهنگ گذاری بجا استرس و دلهره را به بیننده منتقل میکرد.بعضی از بازی ها و اکت ها رو نپسندیدم و از نظر من بهتر از این میشد بازی ها اجرا شود.بهرام سلمانی سینماگر شیرازی ادامه داد: فیلم ملاقات خصوصی و بهتر است بگوییم پروانه، ملودرامی عاشقانه با طعم مواد مخدر و ازدواجی در بند زندان. بنظرم بهتر بود اسم فیلم پروانه باشد، چرا که فیلم با محوریت پروانه دختر جوان بانگاه های عاشقانه و حرکت های پروانه وار و دوربینی که او را به تصویر می کشد ذهن تماشاگر را سیال وار با خود همراه می کند.

فرهاد نماد جوان‌های بلند پرواز که حتی در زندان هم برای فرار از واقعیت و زندگی کسالت بار و فقر با حیله و نیرنگ و همکاری با جنایت کاران زندان وارد خلاف خانوادگی می شود . و پروانه ای که پروانه وار دنبالِ عشقی والا و پاک است. این فیلم بجز عشق و دلدادگی خطر جدی فقر و بزه هایِ خانوادگی و سازمان یافته در درون زندان را نشانه گرفته است و به مسئولان گوشزد می کند که در زیر پوست این جامعه چه خبر است. بازی درست و یکدست بازیگران با کارگردانی امید شمس برای اولین فیلم بلند قابل قبول و گیشه پسند است و تماشاگر این گونه سینما را می پسندد.

علی بلندنظر مستندسازشیرازی هم اشاره کرد که یکی بهترین درام های عاشقانه در سال های اخیر را در سینما دیدم.

علیرضا شهسواری فرد در انتها در باره ی فیلم ملاقات خصوص چنین گفت: ملاقات خصوصی اولین ساخته امید شمس در ۳۰ دقیقه اول نوید یک داستان عشقیِ نامتعارف و در گیر کننده را میدهد اما با گذشت زمان در دام نمایش های خشونت آمیز دعوا های پایین شهر، زندان و قاچاق مواد می افتد.

آنگ ملودرام تمام ماحصل فیلم را به باد داد. رفتار هایی که گاه و بی گاه از کاراکترهای اصلی سر میزند که هیچ انگیزه ای برای آن ها زمینه چینی نشده است.فیلم به مانند کبوتر یاغی ای شده بود که به هر شبهِ لانه ای که میرسید دلباخته آن میشد زمان پرده ای طولانیِ فیلم دال بر این است.

نه بازی های تکنیکی بازیگران نه تصاویر درخشان هیچ کدام نتوانستند فیلم را نجات دهند چرا که فیلمنامه معیوب و چند پاره است.

فیلمنامه ای که برای نشان دادن اعمال محیر العقول کاراکترهایش به هر چه که دمِ دستش می آید چنگ میزند و نتیجتا دستش از همه چیز و همه جا کوتاه می ماند.

در ادامه اصغر گروسی صحبت درباره ی فیلمِ "علفزار" را شروع کرد و گفت: بازی ها در این فیلم بسیار درخشان بود و بازی متفاوتی از پژمان جمشیدی را می دیدیم.

مسیحا رحیمی مستندساز شیرازی گفت: درباره فیلم علفزار میگویم که این دست موضوعات برای جامعه جز الزامات است تا چشم و گوش مردم را باز کند.

همه ی شخصیت های این فیلم در یک روز به شکل عجیبی تغییر می کنند و زندگی هر کدام در هر موقعیت و شرایطی که هستند به یک گره بند می شود.
همه ی شخصیت های بازی به جز دادستان و زنی که به او تجاوز شده با متوسل شدن به زور مغالطه میکنند، به این دلیل که چون در بحث شکست می‌خورند مجبورند بگویند که یادت رفته کی تو رو سر کار گذاشته؟
می دونی با کی حرف میزنی؟
مگه به شما نگفتن ماجرا رو ختم به خیر کن؟
و از این دست حرف هایی که وابسته به قدرت یک شخصیت است.
محمد ناصریراد افزود: ما در فیلم پیرنگ فرعی زن و شوهری معتاد با دختر ده ساله شان را می بینیم که در دادگاه حضور دارند، خانواده ای که در انتهای داستان و درست در جهت مخالف آن خانواده های دیگر که خانواده شان در حال فرو پاشیست، خانواده ی آن ها در حال متحد شدن است.
بحث و مسئله ی فیلم درباره ی آموزش و پرورش کودکان است، در پایان چرا زن با وجود عواقب ناگوار رضایت ندادنش، نمیتواند اجازه دهد؟ چون فرزند خردسالش آن چیزی دیده که نباید میدیم و در ذهنش نقش بسته است. یا مثلا آن زن معتاد که برای به مدرسه گذاشتن دختر ناز و معصومش پس از سه سال محرومیت از تحصیل، دنبالِ شناسنامه برای دخترش میگردد.
در کل روایت دوربین هادی بهروز با نماهای سرک کش و استفاده از لنز تله و دوربین روی دست و سیار را که به روایت در مستند مشاهده ای نزدیک بود را تایید کرده و استفاده از این تکنیک در باورپذیری داستان را پسندیدم.بهرام سلمانی گفت: علفزار فیلمی به ظاهر واقعی اما با خورده قصه های تکراری که در فضای مجازی هر روز شاهد این گونه قصه ها و داستان هایی که در جامعه رخ می دهد هستیم .
قصه های قتل، تجاوز، زورگیری ، لاابالی گری بعضی از زنان ، فسادهای سازمان یافته و خانوادگی که در سطح جامعه ایرانی به فراوانی قابل مشاهده است. همه مستحضریم در دادگاه ها به خاطر قوانین دست و پا گیر و جرم های ریزو درشت و تعریف شده از سویِ دستگاه قضا مردم در راهروهای شلوغ دادگاه ها در رفت و آمد هستند.در خلاصه داستان «علف زار» آمده است: بعضی رازها بهتره فاش بشن، برخی هرگز …فیلم علفزار با کارگردانی یک جوان فیلم اولی با نام کاظم دانشی و تهیه کنندگی بهرام رادان تولید شده است. این فیلم محصول سال ۱۴۰۰ و در ژانر اجتماعی درباره چند پرونده قضایی ساخته شده است.در ابتدا باید گفت فیلمنامه محصول چند اتفاق و قصه های است که در گوشه کنار این مملکت اتفاق می افتاد و هرروز هم بیشتر می شود و این به نوعی فروپاشی اجتماعی و نهاد خانواده است، در طرف دیگر قصه، دستگاه قضا و قضاوت کشور است که در میانه مدیران لابی گر و مردم دادخواه گیر افتاده است، بازپرس که مشکلات خانوادگیش گرو کشی پرونده شهرداری است که فرزندان و اهل خانواده اش همه در فساد اخلاقی دست و پا میزنند، اکنون برای حفظ آبرو دست به هر کاری می زنندفیلم از نظر روایت گری و سیر داستان دچار کم و کاستی های است که با قصه های در هم تنیده گرفتار شده همچون که قاضی در میان خیر و شر گرفتار شده است و به نوعی فیلم در حساب خیرو شر گرفتار است.
کارگردان با دوربین فیلم بردار تعمدا و هوشمندانه با درشت کردن نماهای از بچه و مخصوصا دختران ؛ عدم امنیت اخلاقی ، امنیت جانی، فکری و هویت دختر(نداشتن شناسنامه دختر) را گل درشت نشان میدهد و گویی به نوعی بدنبال هویت از دست رفته دختران این سرزمین است.
محمد حسین فتحی فیلمساز شیرازی ادامه داد: فیلم علفزار
اقتباسی از روند یک پرونده واقعی اما با رویکردی متفاوت که اساسا بیننده را با یک سوال اصلی روبرو میکند، آیا "سکوت" یعنی بی آبرویی یا آبرو داری؟؟؟ این سکوت در هر کاراکتر به شکل و نوع های مختلف ایجاد میشود. هر شخصیت آنچنان فشاری متحمل میشوند که برای حفظ آبرویِ خود بر سر دو راهی قرار میگیرند و این دو راهی یک طرفش سکوت و دیگری سخن گفتن از حقیقت ماجراست که به مذاقِ شخصیت خوش نمی آید، تصمیمات این دو راهی در نهایت در سرنوشت فرزندانشان تاثیر گذار است. این فیلم بدون هیچ شعار فمنیسی ، پشت جامعه زنانه و در دفاع از بنیان خانواده ،اهمیت بسیاری به مفهوم "مادرانگی" ایستادت است و به نقش مهم مادر در تربیت فرزند که در این فیلم مادر ها با تمام وجودشان میکوشند تا آینده بهتری برای فرزندانشان شکل دهند، اشاره می کند.
زین العابدین یزدانیان، تهیه کننده فیلم کوتاه و وکیل پایه یک دادگستری که در این جلسه حضور داشت ضمن تاکید بر ضرورت حضور مشاورحقوقی در فیلم ها اشاره کرد: چند سکانس های فیلم علفزار از لحاظ حقوقی دارای بحث است. در اوایلِ فیلم ،سکانسی که شخصِ ضابط دادگستری به دلیل خطای در دید، شلیک هوایی کرده و باعث کشته شدن پسر بچه ای در بالکن میشود که باید گفت ظابطین دادگستری تحت شرایطی و در مواردی خاصی که قانون گذار تعریف کرده حق استفاده از اسلحه را دارند. که این خود خطای فاحشی در فیلم بود.
در یک روز یا در یک فاصله کوتاه سه پرونده به بازپرس ارجاع شده که دو تن از این پرونده ها با موضوع قتل است که جای تامل است .
از طرفی در نظام دادسرای ایران هر بازپرسی به نوع خاصی از جرایم تخصصی رسیدگی میکنند، مثلا در اوایل فیلم دیده می‌شود که بازپرس پرونده تحت عنوان مبارزه با قاچاق در حال بررسی است اما دیده میشود که به پرونده قتل و تجاوز هم رسیدگی میکند!
بازپرس یک مقام قضایی است که رأساً یا به تقاضای دادستان از متهمان، تحقیق و عنداللزوم قرار تأمین اخذ می‌نماید. بازپرس پس از ارجاع پرونده به تقاضای دادستان به جمع‌آوری دلایل تحقیق از متهم و سایر افراد مظنون و بررسی سایر ادله خواهد پرداخت و در صورت ضرورت، تأمین لازم اخذ و نهایتاً مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب یا قرار مجرمیت خواهد نمود و اصولاً عهده دار رسیدگی به جرایم مهم که در صلاحیت محاکمهٔ کیفری استان است، می‌باشد. اما در حالی دیده میشود که بازپرس به یکی از مظنونین علاوه بر تهدید ،دم از حکم اعدام ان برادران می زند.
و سوال دیگر که آیا با رضایت شاکی پرونده در فیلم علفزار مختومه می‌شود که این سوال شاید برای مخاطبان پیش بیاید؟و از انجایی که جرم رخ داده در فیلم علفزار جنبه عمومی دارد رضایت شاکی تاثیری در مختومه شدن نداردو حتی یکی از دیالوگ های دادستان به بازپرس این است که شاکی رضایت می‌دهد و دیگر شما وا بدید؟
فک میکنم مخاطبان برای اولین بار فیلمی را دیدند که نقش اصلی یک قاضی باشد و تقریبا همه ی مخاطبان با شخصیتی بازپرس آشنا شدند و در خصوص نقش بازپرس علیرغم این که پژمان جمشیدی اصولا بازی طنز داشت به خوبی توانست از عهده این نقش بر بیاید و در کل خلاصه بگویم که گل کاشت.
در جایی از فیلم بازپرس در خصوص ادله و دلایل اثبات جرم به عنوان مثل شهادت شهود سخن نمی گوید اشاره به دوربین مداربسته باغ میکند دوربین مداربسته علاوه بر وجود آن هم در باغ ، از موارد اثبات جرم به شمار نمیرود.در این فیلم بازپرس شخص احساسی بود و برعکس بازپرس می بایست شخصی منطقی و قانون مند باشد. در یکی از سکانس ها بازپرس حرف در زبان زوجین می‌گذاشت که شرعاً زوج هستند اما صدور شناسنامه مربوط به دادگاه خانواده و نیازمند اثبات زوجیت میباشد نه در دادسرا!
در مسئله دیگر باید بگویم وجود نفوذ سیاسی در پرونده ها چه حقوقی چه کیفری و... یک امر طبیعی است و یه مورد تازه نیست و اما سوال ؟؟؟ آیا بازپرس توانست بر این نوع نفوذ و فشار سیاسی غلبه شود و قانون سپر این نوع نفوذ سیاسی ها قرار دهد ؟
در انتها باید بگویم درباره ی صحنه و لباس فیلم، فضای اتاق بازپرسی با واقعیت منطبق نبود حتی نوع صندلی های اتاق بازپرسی بنظرم از واقعیت به

دور بود.
در یکی از صحنه ها پشت سر خواهر سارا راه پله به وضوح
مشخص بود که اتاق بازپرسی چرا اینقدر بزرگ است؟ حتی یک راه پله وجود داشت بنظرم از واقعیت به دور بود .
در پایان علیرضا شهسواری فرد افزود: از خوبی فیلمنامه این است که کشمکش ها در هر سه سطح درونی، فردی، فرافردی هستند. بازپرسی که یک روز تمام دغدغه اش گرفتن انتقالی و بودن کنار پسر مریضش بود حالا بعد از اعتراف یکی از قربانیان فاجعه آنقدر تحت تاثیر قرار گرفته که به هیچ وجه حاضر نیست پرونده را رها کند.
وقتی مخاطب به دیدن یک فیلم در یک ژانر خاص میرود بدیهی است که انتطاراتی از آن ژانر دارد. علفزار به خوبی از پس جواب دادن به انتظارات ژانر درام جنایی برامده است، همانطور که مشاهده میکنیم باز پرس در جاهایی از حد خود فراتر میرود و دست به تهدید هم می زند.
فیلم دارای یک پیرنگ فرعی هم است اگر چه کاراکترهایش تنه به کلیشه میزنند اما بنظرم این خرده پیرنگ من در کل فیلم حل شده است.
فیلم از پایان خوبی برخوردار است پایانی که هم مخاطب دوست دارد و هم حقیقتِ واقعه ی دلخراشِ واقعی که در یکی شهرهای ایران رخ داده بود، را خدشه دار نمیکند.
شایان ذکر است جلسه ی چهارم نقد و بررسی فیلم های جشنواره استانی فجر امروز راس ساعت ۱۶ در سینما سعدی شیراز برگزار میگردد.سومین نشست تخصصی نقد و بررسی دو فیلم "ملاقات خصوصی" و "علفزار" در بیستمین جشنواره ی فیلم فجر شیراز با حضور تعدادی از فعالانِ عرصه ی فیلم و رسانه در سینما سعدی شیراز به میزبانی حوزه ی هنری فارس برگزار شد .
به گزارش خبرنگار راستین آنلاین اصغر گروسی که مدیریت این جلسه را به عهده داشت از فیلم ملاقات خصوصی شروع کرده و گفت: فیلم ملاقات خصوصی ساخته ی امید شمس و اولین اثر بلند سینمایی اوست.
فیلمی که با ظرافت خاص و بازی خوب بازیگرانش به مسئله ی عشق پرداخته است، فیلمی که به تعبیر من پایان خوبی نداشت و باید در دریا فیلم خاتمه پیدا میکرد، حتی من فکر کردم قرار است تمام شود و باید سالن را ترک کنم که متوجه شدم نه، هنوز فیلم ادامه دارد.
محمد حسین فتحی فیلمساز جوان شیرازی در ادامه گفت :
فیلم در تلاش ترسیم کردن دو جهان، یکی محیط زندان و مناسبات زندانیان ارشد با زندانیان زیر دستی و امرو نهی کردن آنان و ایجاد باند در زندان، و دیگری جهان عاشقانه بین فرهاد وپروانه که این عشق ناگزیر زیر سایه مناسبات زندان تحت تاثیر قرار میگیرد و گاها با چالش روبرو میشود، نقطه قوت فیلمنامه ملاقات خصوصی عنصر "تعلیق" در قصه است و ایجاد فرازو فرودهایی که مخاطب هر چندگاهی از طی طریق قصه که آیا عشق فرهاد دروغین و از سر سو استفاده گری است یا واقعی! این سوال وقتی به اوج خود میرسد که در دادگاه فرهاد تصمیم به آزاد کردن خود میگیرد و فشاری که بر پروانه متحمل میشود، اما دیری نمی پاید که در کشمکش فردی و درونی با خود ، فرهاد دست به تصمیم بزرگی میزند که حاصلش ایجاد عشقی است که باور پذیر و ماندگار در سینما خواهد ماند. بی شک بازی ها در این فیلم باور پذیر هستند و یکی از بهترین بازی های پریناز ایزدیار را میبینیم، کارگردانی در این فیلم بی هیچ نکته اضافی روایتگر قصه اش است و قاب بندی های آن چشم نواز است.
محمد ناصریراد افزود: امسال در این جشنواره شاهد چند فیلم اولی بودیم که فیلمسازهای آن که از دلِ جریانِ فیلم کوتاه ایران سر در برون آورده اند، ما در سال های سابق هم میدیدم مثلا فیلمسازی نظیر اصغر فرهادی و بهمن قبادی و ... حاصلِ جریان فیلم کوتاه و سینماجوانان هستند، سعید روستایی در سال های قبل و امسال امید شمس و کاظم دانشی که با اقبال بسیار خوبی از جانب مردم روبرو شدند. این مسئله بار دیگه به اهمیت این جریان و ضرورت حمایت از دوستانِ فیلم کوتاه را دگر بار به ما گوشزد میکند.در مورد فیلم ملاقات خصوصی هم باید بگویم فیلم کاشت و برداشت های روایی نسبتا درستی داشت ولی چندان موافق پایانش نبودم.یلدا رییسی یکی از حاضرین این جلسه، درباره فیلم ملاقات خصوصی گفت: من به شخصه از نشانه، کدگذاری، کلیدواژه ها و نماهایی که کارگردان اثر استفاده کرده بود حیرت زده شدم، به عنوان مثال ما در صحنه ی آغازین فیلم می بینیم پروانه کرکره ی مغازه را پایین کشیده شده و همین با نورهای قرمز رنگ چشمک زن به ما میگوید که این شخصیت به دست خودش خودش را محبوس میکند یا قسمتی از فیلم که پروانه در حال صحبت با فرهاد هست و در همان لحظه در علفزار و مزرعه قطاری رو می بینیم که از وسط علفزار رد میشود، قطاری که در این در فیلم یعنی انتظار و خبرهایی در راه است. یا مثلا دیواره های عمودی زندان و غروب اسفناک آفتاب و پروانه ای که پشتِ دیوار ایساده و به نظاره ی غروبِ شمس نشسته است. این همان حس غریب و دلتنگیست که به خوبی به بیننده القا میشود. گریم سینمایی فرهاد جوری طراحی شده که ما تا تقریبا اواخر فیلم در گمانیم که آیا فرد مورد اعتماد است یا نه.با کشیدگی بینی و گودی که زیر چشم انداخته شده بود و سیبیلی که روی صورت هوتن شکیبا نقش بسته بود...نگاه های مرموز کننده ی فرهاد و به خوبی دوربین روی صورتش تاکید میکرد. موسیقی متن عالی بود و به موقع با ریتمیک و آهنگ گذاری بجا استرس و دلهره را به بیننده منتقل میکرد.بعضی از بازی ها و اکت ها رو نپسندیدم و از نظر من بهتر از این میشد بازی ها اجرا شود.
بهرام سلمانی سینماگر شیرازی ادامه داد: فیلم ملاقات خصوصی و بهتر است بگوییم پروانه، ملودرامی عاشقانه با طمع مواد مخدر و ازدواجی در بند زندان. بنظرم بهتر بود اسم فیلم پروانه باشد، چرا که فیلم با محوریت پروانه دختر جوان بانگاه های عاشقانه و حرکت های پروانه وار و دوربینی که او را به تصویر می کشد ذهن تماشاگر را سیال وار با خود همراه می کند.
فرهاد نماد جوان‌های بلند پرواز که حتی در زندان هم برای فرار از واقعیت و زندگی کسالت بار و فقر با حیله و نیرنگ و همکاری با جنایت کاران زندان وارد خلاف خانوادگی می شود . و پروانه ای که پروانه وار دنبالِ عشقی والا و پاک است. این فیلم بجز عشق و دلدادگی خطر جدی فقر و بزه هایِ خانوادگی و سازمان یافته در درون زندان را نشانه گرفته است و به مسئولان گوشزد می کند که در زیر پوست این جامعه چه خبر است. بازی درست و یکدست بازیگران با کارگردانی امید شمس برای اولین فیلم بلند قابل قبول و گیشه پسند است و تماشاگر این گونه سینما را می پسندد.
علی بلندنظر مستندسازشیرازی هم اشاره کرد که یکی بهترین درام های عاشقانه در سال های اخیر را در سینما دیدم.علیرضا شهسواری فرد در انتها در باره ی فیلم ملاقات خصوص چنین گفت: ملاقات خصوصی اولین ساخته امید شمس در ۳۰ دقیقه اول نوید یک داستان عشقیِ نامتعارف و در گیر کننده را میدهد اما با گذشت زمان در دام نمایش های خشونت آمیز دعوا های پایین شهر، زندان و قاچاق مواد می افتد.
اَنگ ملودرام تمام ماحصل فیلم را به باد داد. رفتار هایی که گاه و بی گاه از کاراکترهای اصلی سر میزند که هیچ انگیزه ای برای آن ها زمینه چینی نشده است.
فیلم به مانند کبوتر یاغی ای شده بود که به هر شبهِ لانه ای که میرسید دلباخته آن میشد زمان پرده ای طولانیِ فیلم دال بر این است.
نه بازی های تکنیکی بازیگران نه تصاویر درخشان هیچ کدام نتوانستند فیلم را نجات دهند چرا که فیلمنامه معیوب و چند پاره است.
فیلمنامه ای که برای نشان دادن اعمال محیر العقول کاراکترهایش به هر چه که دمِ دستش می آید چنگ میزند و نتیجتا دستش از همه چیز و همه جا کوتاه میماند.
در ادامه اصغر گروسی صحبت درباره ی فیلمِ "علفزار" را شروع کرد و گفت: بازی ها در این فیلم بسیار درخشان بود و بازی متفاوتی از پژمان جمشیدی

را میدیدیم.
مسیحا رحیمی مستندساز شیرازی گفت: درباره فیلم علفزار میگویم که این دست موضوعات برای جامعه جز الزامات است تا چشم و گوش مردم را باز کند.
همه ی شخصیت های این فیلم در یک روز به شکل عجیبی تغییر می کنند و زندگی هر کدام در هر موقعیت و شرایطی که هستند به یک گره بند می شود.
همه ی شخصیت های بازی به جز دادستان و زنی که به او تجاوز شده با متوسل شدن به زور مغالطه میکنند، به این دلیل که چون در بحث شکست می‌خورند مجبورند بگویند که یادت رفته کی تو رو سر کار گذاشته؟ می دونی با کی حرف میزنی؟
مگه به شما نگفتن ماجرا رو ختم به خیر کن؟
و از این دست حرف هایی که وابسته به قدرت یک شخصیت است.محمد ناصریراد افزود: ما در فیلم پیرنگ فرعی زن و شوهری معتاد با دختر ده ساله شان را می بینیم که در دادگاه حضور دارند، خانواده ای که در انتهای داستان و درست در جهت مخالف آن خانواده های دیگر که خانواده شان در حال فرو پاشیست، خانواده ی آن ها در حال متحد شدن است. بحث و مسئله ی فیلم درباره ی آموزش و پرورش کودکان است، در پایان چرا زن با وجود عواقب ناگوار رضایت ندادنش، نمیتواند اجازه دهد؟ چون فرزند خردسالش آن چیزی دیده که نباید میدیم و در ذهنش نقش بسته است. یا مثلا آن زن معتاد که برای به مدرسه گذاشتن دختر ناز و معصومش پس از سه سال محرومیت از تحصیل، دنبال شناسنامه برای دخترش میگردد.
در کل روایت دوربین هادی بهروز با نماهای سرک کش و استفاده از لنز تله و دوربین روی دست و سیار را که به روایت در مستند مشاهده ای نزدیک بود را تایید کرده و استفاده از این تکنیک در باورپذیری داستان را پسندیدم.بهرام سلمانی گفت: علفزار فیلمی به ظاهر واقعی اما با خورده قصه های تکراری که در فضای مجازی هر روز شاهد این گونه قصه ها و داستان هایی که در جامعه رخ می دهد هستیم .قصه های قتل، تجاوز، زورگیری ، لاابالی گری بعضی از زنان ، فسادهای سازمان یافته و خانوادگی که در سطح جامعه ایرانی به فراوانی قابل مشاهده است. همه مستحضریم در دادگاه ها به خاطر قوانین دست و پا گیر و جرم های ریزو درشت و تعریف شده از سوی دستگاه قضا مردم در راهروهای شلوغ دادگاه ها در رفت و آمد هستند.در خلاصه داستان «علف زار» آمده است: بعضی رازها بهتره فاش بشن، برخی هرگز …فیلم علفزار با کارگردانی یک جوان فیلم اولی با نام کاظم دانشی و تهیه کنندگی بهرام رادان تولید شده است. این فیلم محصول سال ۱۴۰۰ و در ژانر اجتماعی درباره چند پرونده قضایی ساخته شده است.
در ابتدا باید گفت فیلمنامه محصول چند اتفاق و قصه های است که در گوشه کنار این مملکت اتفاق می افتاد و هرروز هم بیشتر می شود و این به نوعی فروپاشی اجتماعی و نهاد خانواده است، در طرف دیگر قصه، دستگاه قضا و قضاوت کشور است که در میانه مدیران لابی گر و مردم دادخواه گیر افتاده است، بازپرس که مشکلات خانوادگیش گرو کشی پرونده شهرداری است که فرزندان و اهل خانواده اش همه در فساد اخلاقی دست و پا میزنند، اکنون برای حفظ آبرو دست به هر کاری می زنند.
فیلم از نظر روایت گری و سیر داستان دچار کم و کاستی های است که با قصه های در هم تنیده گرفتار شده همچون که قاضی در میان خیر و شر گرفتار شده است و به نوعی فیلم در حساب خیرو شر گرفتار است. کارگردان با دوربین فیلم بردار تعمدا و هوشمندانه با درشت کردن نماهای از بچه و مخصوصا دختران ؛ عدم امنیت اخلاقی ، امنیت جانی، فکری و هویت دختر(نداشتن شناسنامه دختر) را گل درشت نشان میدهد و گویی به نوعی بدنبال هویت از دست رفته دختران این سرزمین است.
محمد حسین فتحی فیلمساز شیرازی ادامه داد: فیلم علفزاراقتباسی از روند یک پرونده واقعی اما با رویکردی متفاوت که اساسا بیننده را با یک سوال اصلی روبرو میکند، آیا "سکوت" یعنی بی آبرویی یا آبرو داری؟؟؟ این سکوت در هر کاراکتر به شکل و نوع های مختلف ایجاد میشود. هر شخصیت آنچنان فشاری متحمل میشوند که برای حفظ آبروی خود بر سر دو راهی قرار میگیرند و این دو راهی یک طرفش سکوت و دیگری سخن گفتن از حقیقت ماجراست که به مذاق شخصیت خوش نمی آید، تصمیمات این دو راهی در نهایت در سرنوشت فرزندانشان تاثیر گذار است. این فیلم بدون هیچ شعار فمنیسی ، پشت جامعه زنانه و در دفاع از بنیان خانواده ،اهمیت بسیاری به مفهوم "مادرانگی" ایستادت است و به نقش مهم مادر در تربیت فرزند که در این فیلم مادر ها با تمام وجودشان میکوشند تا آینده بهتری برای فرزندانشان شکل دهند، اشاره میکند.زین العابدین یزدانیان، تهیه کننده فیلم کوتاه و وکیل پایه یک دادگستری که در این جلسه حضور داشت ضمن تاکید بر ضرورت حضور مشاورحقوقی در فیلم ها اشاره کرد: چند سکانس های فیلم علفزار از لحاظ حقوقی دارای بحث است. در اوایل فیلم ،سکانسی که شخص ضابط دادگستری به دلیل خطای در دید، شلیک هوایی کرده و باعث کشته شدن پسر بچه ای در بالکن میشود که باید گفت ظابطین دادگستری تحت شرایطی و در مواردی خاصی که قانون گذار تعریف کرده حق استفاده از اسلحه را دارند. که این خود خطای فاحشی در فیلم بود.
در یک روز یا در یک فاصله کوتاه سه پرونده به بازپرس ارجاع شده که دو تن از این پرونده ها با موضوع قتل است که جای تامل است .از طرفی در نظام دادسرای ایران هر بازپرسی به نوع خاصی از جرایم تخصصی رسیدگی میکنند، مثلا در اوایل فیلم دیده می‌شود که بازپرس پرونده تحت عنوان مبارزه با قاچاق در حال بررسی است اما دیده میشود که به پرونده قتل و تجاوز هم رسیدگی میکند!!!بازپرس یک مقام قضایی است که رأساً یا به تقاضای دادستان از متهمان، تحقیق و عنداللزوم قرار تأمین اخذ می‌نماید. بازپرس پس از ارجاع پرونده به تقاضای دادستان به جمع‌آوری دلایل تحقیق از متهم و سایر افراد مظنون و بررسی سایر ادله خواهد پرداخت و در صورت ضرورت، تأمین لازم اخذ و نهایتاً مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب، منع تعقیب یا قرار مجرمیت خواهد نمود و اصولاً عهده دار رسیدگی به جرایم مهم که در صلاحیت محاکمهٔ کیفری استان است، می‌باشد. اما در حالی دیده میشود که بازپرس به یکی از مظنونین علاوه بر تهدید ،دم از حکم اعدام ان برادران میزند.
و سوال دیگر که آیا با رضایت شاکی پرونده در فیلم علفزار مختومه می‌شود که این سوال شاید برای مخاطبان پیش بیاید؟و از انجایی که جرم رخ داده در فیلم علفزار جنبه عمومی دارد رضایت شاکی تاثیری در مختومه شدن نداردو حتی یکی از دیالوگ های دادستان به بازپرس این است که شاکی رضایت می‌دهد و دیگر شما وا بدید!؟
فک میکنم مخاطبان برای اولین بار فیلمی را دیدند که نقش اصلی یک قاضی باشد و تقریبا همه ی مخاطبان با شخصیتی بازپرس آشنا شدند و در خصوص نقش بازپرس علیرغم این که پژمان جمشیدی اصولا بازی طنز داشت به خوبی توانست از عهده این نقش بر بیاید و در کل خلاصه بگویم که گل کاشت.
در جایی از فیلم بازپرس در خصوص ادله و دلایل اثبات جرم به عنوان مثل شهادت شهود سخن نمی گوید اشاره به دوربین مداربسته باغ میکند دوربین مداربسته علاوه بر وجود آن هم در باغ ، از موارد اثبات جرم به شمار نمیرود.در این فیلم بازپرس شخص احساسی بود و برعکس بازپرس می بایست شخصی منطقی و قانون مند باشد. در یکی از سکانس ها بازپرس حرف در زبان زوجین می‌گذاشت که شرعاً زوج هستند اما صدور شناسنامه مربوط به دادگاه خانواده و نیازمند اثبات زوجیت میباشد نه در دادسرا!
در مسئله دیگر باید بگویم وجود نفوذ سیاسی در پرونده ها چه حقوقی چه کیفری و... یک امر طبیعی است و یه مورد تازه نیست و اما سوال آیا بازپرس توانست بر این نوع نفوذ و فشار سیاسی غلبه شود و قانون سپر این نوع نفوذ سیاسی ها قرار دهد ؟

در انتها باید بگویم درباره ی صحنه و لباس فیلم، فضای اتاق بازپرسی با واقعیت منطبق نبود حتی نوع صندلی های اتاق بازپرسی بنظرم از واقعبت به دور بود.
در یکی از صحنه ها پشت سر خواهر سارا راه پله به وضو
مشخص بود که اتاق بازپرسی چرا اینقدر بزرگ است؟ حتی یک راه پله وجود داشت بنظرم از واقعیت به دور بود .
در پایان علیرضا شهسواری فرد افزود: از خوبی فیلمنامه این است که کشمکش ها در هر سه سطح درونی، فردی، فرافردی هستند. بازپرسی که یک روز تمام دغدغه اش گرفتن انتقالی و بودن کنار پسر مریضش بود حالا بعد از اعتراف یکی از قربانیان فاجعه آنقدر تحت تاثیر قرار گرفته که به هیچ وجه حاضر نیست پرونده را رها کند.
وقتی مخاطب به دیدن یک فیلم در یک ژانر خاص میرود بدیهی است که انتطاراتی از آن ژانر دارد. علفزار به خوبی از پس جواب دادن به انتظارات ژانر درام جنایی برامده است، همانطور که مشاهده میکنیم باز پرس در جاهایی از حد خود فراتر میرود و دست به تهدید هم میزند.
فیلم دارای یک پیرنگ فرعی هم است اگر چه کاراکترهایش تنه به کلیشه میزنند اما بنظرم این خرده پیرنگ من در کل فیلم حل شده است.
فیلم از پایان خوبی برخوردار است پایانی که هم مخاطب دوست دارد و هم حقیقتِ واقعه ی دلخراشِ واقعی که در یکی شهرهای ایران رخ داده بود، را خدشه دار نمیکند.